

پیش‌خوانی

گذر و نظری بر ۲ اثر «آشنایان ره عشق» و «گل‌های پریشان در باد»

چندو چون یک پژو هوش

■ **محمدحسین رجبی دوانی***



دو اثری که در این نوشتار مورد بررسی و نقد قرار گرفته، عبارت است از: ۱- گل‌های پریشان در باد ۲- آشنایان ره عشق، که هر دو اثر، زندگینامه و تألیف دانشمند و محقق گرانمایه مرحوم

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای عادل مولایی بوده و در سال ۱۳۹۲ انتشار یافته‌اند.این دو کتاب از آن‌رو که تشابه موضوعی داشته و از ساختار و روش تحقیق واحد پیروی کرده‌اند،بام بررسی خواننده شد. ۱- گل‌های پریشان در باد،عنوان کتابی است که به معرفی کوتاه (یک صفحه‌ای)،یکصد نفر از علمای شیعه قفقاز طی دو قرن گذشته و در زمان حاکمیت تزار یسم روسیه، شوروی کمونیستی و دوران استقلال آن سرزمین از اتحاد شوروی تا عصر حاضر پرداخته‌است. منظور مؤلف از سرزمین قفقاز، شامل جمهوری‌های مستقل آذربایجان،ارمنستان، گرجستان و جمهوری خودمختار داغستان است.افراد مورد نظر یاد در آن سرزمین به دنیا آمده و زیسته و در گذشته‌اند یا مولدشان در آنجا بوده و بعداً به ایران یا عتبات مهاجرت کرده‌اند یا پدرشان قفقازی بوده، ولی در ایران یا عراق پرورش یافته‌اند(ص ۱۴). در تدوین این شرح حال‌ها، مؤلف از دوروش «کتابخانه‌ای» و «مصاحبه»سودجسته‌است؛ بدین معنی که علاوه بر روش معمول و جاری استفاده از منابع زندگینامه‌ای پیشین –از جمله منابعی که در آغاز مقاله یاد شده‌است –از خاطرات شفاهی فرزندان، نوادگان، بستگان، آشنایان و معمرین محلی و نیز اسناد و مدارک موجود به جا مانده از آنان،از جمله عکس‌های انفرادی و جمعی استفاده شده‌است.این خاطرات، همه صوتی و مفصل بوده و بالغ بر صدها ساعت نوار است که نزد مؤلف نگهداری می‌شود و قرار است در تدوین زندگینامه جامع علمی‌مذکور تحت عنوان «فرزندگان قفقاز» پیاده‌سازی شوند و مورد استفاده و استناد قرار گیرند؛ که به طور بسیار مجمل در این پژوهش از آنها استفاده شده‌است. گردآوری این خاطرات، مربوط به



جلد دو مورد معرفی از مرحوم مولایی

سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی و نخستین سال‌های استقلال آن جمهوری‌ها بوده که البته در کمال تحفظ و رعایت جوانب سیاسی انجام شده و برای نویسنده خالی از مخاطرات نبوده و محصول ۱۲ سال پژوهش بی‌وسه مؤلف محترم است(ص ۱۴).

این پروژه بزرگ که با حمایت مادی و معنوی «بنیاد دایره‌المعارف استان اردبیل» به انجام رسیده، تأسیس «موزه مفاخر دینی استان اردبیل» را در سال ۱۳۸۷ به دنبال داشته که در آن،اصل تابلوهای مفاخر استان به نمایش درآمده‌است (هماچنان). همچنین قرار است موزه مشابهی با عنوان «موزه مفاخر دینی قفقاز» تأسیس شود.

۲- آشنایان ره عشق،عنوان کتاب دیگر مؤلف است که به معرفی کوتاه ۵۰ نفر از علمای برجسته آذربایجان و با همان ساختار و روش پیش گفته در کتاب گل‌های پریشان در باد پرداخته‌است.

اگر این دو کتاب با آثار مشابهی که پیش از آن تألیف گردیده‌اند مقایسه شوند، می‌توان تمایزات آن دورا چنین برشمرد:

۱- دو کتاب حاضر از نفاست بسیار زیادی از نظر جلد، مصحافی، کافند،صفحه‌آرایی و تصویر برخوردار است که بسیار متمایز از آثار پیش گفته‌است.

۲- زندگینامه‌ها از ساختار قالب و اندازه واحدی برخوردارند که آثار پیشین فاقد آنند.

۳- چنانکه گفته شد، در تدوین زندگینامه‌ها از دوروش کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده گردیده و اطلاعات موجود، مزوج و مکمل یکدیگر شده که این سبک،به نوبه خود بدیع و بی‌سابقه است.

۴- در شرح حالها به فعالیت‌های غیر علمی آنان، شامل فعالیت‌های سیاسی آشکار و پنهان، بزادداشت‌ها و دستگیری‌های مکرر، تبعید و نحوه در گذشت ایشان، اشارات صریحی رفته که به ندرت در آثار قدما و معاصرین یا مورد توجه و عنایت شرح حال نگاران قرار گرفته یا اگر چنین بوده،از تنی چند از شخصیت‌های بسیار بزرگ و معروف –که تعداد آنها حاکتر از انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند -فرا تر نرفته‌است.

این کتاب نفیس و گرفتقدر که با همت بلندوایمان راسخ و پشتکار ستودنی و ذوق سلیم و خامه لطیف و ادبانه جناب آقای مولایی به رشته تحریر درآمده محاسنش بیشتر از آن است که در این مختصر مجال شرح و بسط آن باشد. طبعاً چنین کار عظیمی به دور از ایراد نیست، اما ایرادات جزئی و سهوی، خدشهای بر این کار بزرگ وارد نمی‌سازد که امید است در ویرایش‌های بعد -به ویژه در انتشار کتاب فرزاتگان قفقاز- مر رفع شود.

*پژوهشگر تاریخ اسلام و ایران

■ **سمانه صادقی**

پس از حادثه فیضیه و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، عده‌ای از متدینین و چهره های مهم بازار تهران به این نتیجه رسیدند که مبارزه سیاسی با رژیم شاه بی‌فایده است و برای براندازی آن باید فکری کرد. آنان تنها راه مبارزه را در اقدام مسلحانه علیه رژیم و عناصر اصلی آن دانسته و دست به تشکیل گروهی واحد به نام «هیئت‌های مؤتلفه اسلامی» یا م‌ت‌ا

مسلحانه، از میان شش هیئت مهم عزاداری تهران زدند. اکثر اعضای این هیئت‌ها از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) و وجه مشترک آن‌ان، پذیرش اسلام و عقابن یکا ایدئولوژی سیاسی و رهبری و مرعیت امام بود. پس از مدتی جمعیت مؤتلفه اسلامی، قصد آغاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم پهلوی را داشتند که ابتدا امام آنان را نهی نمودند. با تبعید حضرت امام به ترکیه باران مؤتلفه، پس از کسب اجازه از آیت‌الله

مر ترضی مطهری و اذن شرعی آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی، تصمیم به اعدام انقلابی حسعلی منصور نخست‌وزیر سرسپرده‌شاه گرفتند و در مقابل مجلس شوراوی را به گلوله بستند. پس از آن با دستگیری اعضای مؤتلفه، شهید صادق امانی در دادگاه رژیم شاه دلاورانه از خود و راهی که در پیش گرفته بودند دفاع کرد و با اشاره به حوادث خونین ۱۵ خرداد ۴۲ گفت: «ما با بررسی اوضاع پس از نتیجه رسیدیم که پاسخ به این مسئله از لوله تفنگ ۲۶ خرداد ۱۳۴۴، چهار نفر از اعضای این گروه حاج صادق امانی، محمد بخارایی، مر ترضی نیک‌نژاد و رضا صفار هرندی در راه پاسداری از ارزش‌های اسلام و نهضت اسام خمینی‌ره) به درجه شهادت نائل آمدند. با علیرام نورایی باز یگزر نقش شهید حاج صادق امانی در سرریال معمای شاه در خصوص این نقش و دغدغه‌های به تصویر کشیدن وقایع نهضت اسلامی به گفت و گو نشستیم که در پی می‌آید.

چطور برای بازی در نقش حاج صادق امانی انتخاب شدید؟

وقتی آقای وزری کارگردان کار در مورد بازی در این مجموعه به من تماس گرفتند و راجع به حادثه ترور حسنعلی منصور و نقش حاج صادق امانی صحبت کردند من در گیر پروژه اسپیرین بودم، ولی قرار شد هماهنگی‌ها صورت گیرد و چند جلسهای برای ایفای نقش شهید حاج صادق امانی در خدمت پروژه باشم. در نتیجه فیلمنامه



دغدغه‌ها و چالش‌های به تصویر کشیدن وقایع نهضت اسلامی در گفت‌وگوی «جوان» با علیرام نورایی

عده‌ای سعی کردند برخی وقایع را از تاریخ‌مان حذف کنند

را مطالعه کرده و در خصوص نقش ایشان مختصری هم تحقیق کردم. ترور حسنعلی منصور و حوادثی که برای حزب مؤتلفه اسلامی پیش آمد آنچنان نبود که زمان بسیاری را به آن بپردازم. در میان سکانس‌های محدودی که داشتم مهم‌ترینشان حضور این عزیز در دادگاه بود. اتفاقاً فایل صوتی صحبت‌های ایشان را در دادگاه، آقای عجمی به من دادند. من نیز سعی کردم بر اساس همان متنی که شهید حاج صادق امانی در دادگاه خوانده اجرا کنم.

از قبل با این واقعه تاریخی آشنایی داشتید؟

به هر حال در خصوص هیئت مؤتلفه نکاتی شنیده بودم، ولی نه آنچنان که به صورت خاص در موردشان صحبت کنم، اما تا پیش از اینکه بخوام چنین نقشی را بازی کنم اطلاعات کامل و جامعی نداشتم.

این شخصیت را چطور از زبانی کردید؟

فضایی که برای ایفای این نقش در اختیارم قرار گرفت خیلی فضای نبود که بتوانم به تمام ابعاد شخصیت حاج صادق امانی پی ببرم و خوددم را در آن قالب قرار دهم. علاوه بر محدود بودن سکانس‌ها من نیز زمان کمی در دست پروژه بودم. ولی به هر حال صادق امانی‌ها و حزب مؤتلفه اسلامی قاعد تا تأثیرات بسزایی در روند پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند.

از زبانی‌تان از مجموعه «عممای شاه» چیست و چه باز خوردهایی از بازی در این مجموعه گرفتید؟

من درگیر کار بودم و خیلی موفق نشدم این سریال را به صورت کامل ببینم. حتی آن قسمت بازی خودم را هم که برای ساخت این اثر کشیده شده، سالن‌های بسیار نتوانستم آن را تماشا کنم. به هر حال اینطور آثار انواع و اقسام واکنش‌ها را خواهد داشت.

با توجه به موضوع فیلم «بتیمم خانه ایران» تصور می‌کنید علت استقبال کم مخاطبان از این فیلم چه بود؟

البته فیلم دیده شد و ولی می‌توانست با کمک دوستان بهتر دیده شود، اما هماطور که گفتید نسبت به تالاشی که برای ساخت این اثر کشیده شده، سالن‌های بسیار کمی برای نمایش به آن اختصاص داده شد. متأسفانه بی‌مهتری‌ها کمی بیشتر بود و می‌توانست اتفاقات بهتری در اکران و تبلیغات فیلم بیفتد، ولی ماجرا به شکل دیگری جلو رفت و نمی‌دانم راجع به آن چه می‌توانم بگویم.

با توجه به مضمون فیلم «بتیمم خانه ایران» چه ارزیابی‌ای از این فیلم دارید؟

زمانی که فیلمنامه را خواندم خیلی تحت تأثیر قرار

تاریخ

کفت‌و گو۸۸۴۹۸۴۷۹

درد

مجموعه‌های تاریخی کاری است که در مملکت‌مان و با شرایط و فرهنگ این کشور ساخته می‌شود و ما به راحتی با ساخت چنین آثاری می‌توانیم ببینده و مخاطبی را که از دست داده‌ایم و جذب سر یال‌های ترک و کراهی شده‌اند، باز پس بگیریم. همچنین از طریق همین فرمول ساده فرهنگساز ی در دست اتفاق بیفتد

چقدر در مورد این واقعه تاریخی از پیش مطالعه داشتید؟

به جرت می‌توانم بگویم هیچ مطالعه‌ای نداشتم. بار اولی که فیلمنامه را خواندم واقعاً حالم خیلی خوب نبود و در کنارش منابعی که آقای طالبی در اختیارم قرار دادند و کتاب‌هایی که مطالعه کردم لحظه‌لحظه باعث شد حال عجیب‌تری پیدا کنم. چون از اتفاقاتی مطلع شدم که آن دوره بر سر مردم ما آمده بود و درست نبود همه آنها‌نمایش داده شوند.

با این اوصاف می‌توان گفت مطالعه تاریخی چندان ندارید؟

مطالعه دارم، ولی نه در حدی که بگویم تاریخ خان حرفهای هستم. ولی به طور کل بسته به فیلمنامه‌ای که در اختیارم قرار می‌گیرد و در راستای رسیدن به‌تر به نقش علاوه بر فیلمنامه منابع و مآخذی که کارگردان در اختیارم قرار می‌دهد را مطالعه می‌کنم. اما با آنکه خیلی به تاریخ خواندن علاقه‌ای ندارم، ولی کار در مجموعه‌های تاریخی چون آدم را از فضای زندگی روزمره دور می‌کند، برایم جذاب‌تر است.

باز خوردهایی که از بازی در این فیلم گرفتید، چطور بود؟

خدا را شکر، مردمی که رفتند و فیلم را دیدند ازهر قشری و با هر نوع سلیقه و نگاهی فیلم را دوست داشتند، قاعد تا اثر هنری که ساخته می‌شود در قالب فیلم سینمایی بدون نقض نخواهد بود، ولی مردم در کل این کار را دوست داشتند و می‌دانم برخی‌ها چندین بار رفتند و کار را دیدند. باز هم اگر پیشنهاد شود در چنین پروژه‌هایی بازی کنم، با کمال افتخار و صدر صد می‌پذیرم.

چرا نسبت به آثاری که شما بازی می‌کنید واکنش‌هایی وجود دارد؟ چه عاملی سبب می‌شود هم‌رنگ جماعت سینماگر امروز محسوب نشوید؟

به خدا خودم نظری راجع به این همه هنرنگی ندارم. من یک بازیگرم و به کارم به صورت حرفه‌ای نگاه می‌کنم. نقش‌هایی هم که به من پیشنهاد می‌شود را اگر دوست داشته باشم انتخاب و سعی می‌کنم تمام تلاشم را برای ایفای آن نقش‌ها انجام دهم. خیلی جناح‌بندی شده و سیاسی به‌فرض نگاه نمی‌کنم. من کارم باز یگری است و نقش‌هایی که به من پیشنهاد می‌شود اگر بتوانسییل خوبی برای کسب تجربه و پیشرفت کار‌ام داشته باشد انتخاب می‌کنم. نهایت تلاشم را برای ایفای آن نقش به کار می‌گیرم.

ناگفته نماند که عدم هماهنگی رنگی‌ای در مسیری

که طی می‌کنم، نمی‌بینم. چون در جمهوری اسلامی

ایران سینمایی که با‌ش وزارت ارشاد و تلویزیونی

که متولیش سازمان صدا و سیما‌ی جمهوری

اسلامی است با ممیزی‌ها و اصول این مملکت

فعالیت فرهنگی و هنری انجام می‌دهم، حال اگر

دوستانی هستند که مرا هم‌رنگ خود نمی‌بینند، فکر می‌کنم آنها باید پاسخگو باشند. در واقع من این تفاوت، روزبندی و جناح‌بندی را نمی‌فهمم. چون به بازیگر جناحی هستم و نه عضو حزب خاصی. فقط یک بازیگرم و در آثاری که دوست داشته و مشمر تمر باشم، کار یک کنم.

چندی است هجوم ساخت سریال‌های ماهوار‌های بیشتر شده‌است.

بله متأسفانه افت سریال‌های داخلی هم‌زمان شده است با اوج گرفتن فعالیت شبکه‌های ماهوار‌های اما ساخت سریال‌هایی مثل اسپرین که در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شوند سبب جذب مخاطب داخلی شده‌اند. شما اگر سری به یوتیوب بزنید، می‌بینید آمار دیده شدن این سریال‌ها شهرزاد بی‌نیهایت است. البته کوچکی را برای شادی روح گذشتگانم که به خاطر این ظلم و ستم‌ها مظلومانه از بین رفته‌اند، انجام دهم. ما با هم، هم‌قسم شدیم و دغدغه‌مان این بود کاری بسازیم که بتوانیم لاقول روح اجدادمان را شاد کنیم.

جوان ۹

روزنامه جوان | شماره ۵۰۰۷

می‌کنیم که به جدیدترین فیلم‌های سراسر جهان دسترسی داریم و می‌توانیم این فیلم‌ها را در گوشی‌های موبایل‌مان ببینیم. به نظرم وجود چند نوع ممیزی سبب می‌شود مخاطبان را به راحتی از دست بدهیم مگر اینکه بازنگری شود و ممیزی‌ها یک کاسه شوند و اعتماد بیشتری به سازندگان آثار وجود داشته باشد. این مسئله جذب مخاطب را سهل‌الوصول‌تر می‌کند.

جامعه چقدر به ساخت مجموعه‌های تاریخی نیاز دارد؟

به نظرم خیلی زیاد. به هر حال این فیلم‌ها و مجموعه های تاریخی کاری است که در مملکت‌مان و با شرایط و فرهنگ این کشور ساخته می‌شود و ما به راحتی با ساخت چنین آثاری می‌توانیم ببینده و مخاطبی را که از دست داده و جذب سریال‌های ترک و کراهی شده‌اند را باز پس بگیریم. همچنین از طریق همین فرمول ساده در لایه‌های زیرین جامعه می‌تواند فرهنگسازی درست اتفاق بیفتد.

خیلی‌ها معتقدند رنگ و لعاب سریال‌های ماهواره‌ای ا سبب جذب مخاطب می‌شود.

مگر سریال شهرزاد در همین مملکت ساخته نشد؟ این سریال با قدرت بیشتر و تأثیرگذار تر و بسیار آموزنده‌تر برای جامعه و خانواده ایرانی ساخته شد و در شبکه خانگی پخش شد و در جذب مخاطب می‌توانم به جرت بگویم جذب صدر صدی داشت. پس ما بتوانسییل این کار را داریم فقط اعتماد وجود ندارد و حمایت که اگر این مسوارد اتفاق بیفتد واقعاً مخاطب ما هیچ‌گاه به سمت سریال‌های سیخف ترکی و جاهای دیگر که با فرهنگ آن کشور‌ها ساخته می‌شود، نخواهد رفت.

مدیران‌مان باید بازنگری‌ای در سیاست‌های کلی‌شان برای ساخت چنین آثاری صورت دهند و واقعاً از این آثار حمایت کنند. چون سینماگران ما که در این حجم فعالیت می‌کنند بتوانسییل فوق‌العاده بالایی دارند فقط با توجه به این عدم یک کاسه بودن ممیزی‌ها فیلم‌مانویس‌های مادر شروع کار چنان دچار سانسوری می‌شوند که بیشتر مواقع مجبورند آنچه می‌نویسند را خودشان پاره کنند. از طرفی با آن امکانات مالی نمی‌شود فیلمی ساخت. حال بعد از این موارد بارها و بارها بازنویسی‌هایی بر اساس سلایق مختلف مسئولان به نویسنده اقا می‌شود که گاهی از دست فیلم‌نامه‌نویس اصلی‌اش خارج می‌شود و فیلم‌نامه نویس دیگری بازنویسی می‌کند و این مسئله سبب می‌شود آن فیلم‌نامه در نطفه به صورت درست اتفاق نیفتد و در دل کار هم هزاران هزار مشکل پیش آید.

فکر می‌کنم با یک مقدار اعتماد و اطمینان و حمایت بیشتر به راحتی بتوان باعث شد که هیچ ایرانی‌ای دیگر کنترل مأموران‌اش را به دست نگیرد و نخواهد شبکه‌های مأموران‌های را بالا و پایین کند.

البته نتمام مجموعه‌هایی که در شبکه خانگی به نمایش درآمده با موفقیت همراه نبودند.

بله. بستگی دارد به ژانر اثر، فیلمنامه و گروهی که کار را می‌سازد، ولی مجموعه‌ای مثل اسپرین چون موضوع جذاب و بکری داشت بیشتر با استقبال مواجه شد. این فضا شند پیدا برای خود من هم جذاب بود. چون این شخصیت بسیار دور از دسترس بود و نمونه واقعی از او در اطرافم وجود نداشت. در نتیجه مطالعه و رسیدن به آن فضاس بسیار سخت می‌شد. ولی با کمک فرهاد رفیعی که از زمان شکل‌گیری فیلم‌نامه با هم شدیدا در تعامل بودیم و همچنین دیدن فیلم‌هایی که مشابه چنین فضایی را داشتند، سعی کردم خودم را به حال و هوای کسی که حافظه‌اش دستکاری شده، نز نزدیک کنم.

ساخت فصل بعدی این مجموعه چه زمانی آغاز خواهد شد؟

هما‌طور که می‌دانید سریال اسپرین چهار فصل است و ساخت سه فصل دیگر آن باقی مانده‌است، اما تهیه‌کننده کار آقای نجفی شدیدا دنبال این است که فصل دوم این مجموعه را با شرایط بهتری کلید بزند؛ ولی به عنوان یک دوست در کنار ایشان پیشنهاد می‌دهم هیچ حمایتی از کار صورت نمی‌گیرد و این جوان با وجود هزاران مشکلی که در خصوص ساخت سریال‌ها وجود دارد، به هر حال موفق خواهد شد. اما اینها موجه بود مثل عدم حمایت و داندل‌ووی غیرمجاز و فصل مجموعه، تمام تلاش‌ها را برای ساخت فصل بعدی منتهی‌اثر می‌کند. البته درست است که من نباید در این مورد صحبت کنم، ولی خودم را به عنوان دوست ایشان محق دیدم که راجع به این موضوع صحبت کنم. چون می‌دانم بیشتر خالی است و کسی حمایتش نمی‌کند و شدیدا با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند و پا پس نکشیده و پای قول و هذفش ایستاده است. با وجود تلاش‌هایی که برای شکل‌گیری بهتر فیلم‌نامه انجام می‌دهم، امیدوارم در ساخت فصل بعدی با مشکل خاصی روبرو نشود و اتفاقات بهتری برای ساخت فصل دوم رقم بخورد و خیلی ویژه‌تر باشد.

سینماگران ما چقدر می‌توانند بر چرخه اخلاقی جامعه تأثیر گذار باشند؟

خیلی زیاد، اما به هر حال موردی که از سوی این قشر اتفاق می‌افتد در جامعه در اشکل خیلی بزرگ‌تری نیز اتفاق می‌افتد و چون مردم عادی هستند آن حوادث چندان دیده و پر رنگ نشده و راجع به آنها صحبت نمی‌شود. ما اهالی هنر هم اعضای همین جامعه هستیم و در همین جامعه زندگی می‌کنیم با تمام مشکلات و سختی‌ها و اتفاقاتی که پیرامونمان می‌افتد؛ اتفاقاتی که برای ما رخ می‌دهد همان‌هایی است که برای مردم عادی هم رخ می‌دهد. اینطور نیست که سینماگران ما نافته جدا بافته از اجتماع باشند، آنها هم دچار مشکلات عدیده هستند، اما من و همکارانم به این خاطر که در اجتماع بیشتر مورد توجه و قضاوت هستیم باید دقت بیشتری نسبت به برخی مسائل داشته باشیم.



علیرام نورایی در نقش شهید حاج صادق امانی در یکی از سکانس‌های «عممای شاه»